



دانش

کیفیت معاد جسمانی

غلامحسین ظفری
دبیر آموزش و پرورش اهواز

مقدمه

معاد واژه عربی برگرفته از (عود) است و به معنای بازگشتن، رستاخیز، دوباره برخاستن پس از مرگ است. باور به رستاخیز (معاد) یکی از اصول دین اسلام است. برخی معاد را جسمانی و برخی روحانی، و برخی روحانی و جسمانی، می‌دانند. بعضی‌ها جسمانی بودن را به معنای این می‌دانند که جسم انسان، که برای این دنیا خلق شده و پیوسته در تحول است، در آخرت هم با همین خصوصیات مادی زنده خواهد شد. بدن اخروی عین بدن دنیوی است، اما جسمانی است، به این معنا که قابلیت برای بقا و جاودانگی ندارد و بدون شک هیچ یک از معتقدان به معاد جسمانی نمی‌گویند جسمی که در دنیا بوده است به همان وضعیت برمی‌گردد. بلکه منظور بازگشت آن به گونه دیگر خواهد بود آن چنان که از جهت شباهت عین جسد اول باشد و از جهتی مثل آن است، به طوری که هر کس این قالب را ببیند بگوید این، فلانی است و آن، فلان شخص دیگر است. به تعبیر دیگر، مادی بودن در قیامت و آخرت مادیتی خواهد بود که با قوانین مربوط به آنجا سازگار باشد؛ به نحوی که قابلیت جاودانگی داشته باشد و ضمن عاری بودن از فضولات موجب خستگی و ملالت نباشد. صدر المتألهین می‌گوید: آنچه در اعتقاد به حشر بدن‌ها از روز قیامت لازم است، آن است که بدن‌هایی از قبرها برانگیخته می‌شوند؛ به طوری که اگر کسی تک‌تک آن‌ها را ببیند بگوید این فلان کس است یا بگوید این بدنی فلان است و آن بدن بهمان است.

◀ کلیدواژه‌ها: معاد، معاد جسمانی، قیامت

در سؤال ۶۵ دین و زندگی رشته زبان:

«عصمت علمی» حضرت علی(ع) از دقت در کدام

سخن پیامبر(ص)، مفهوم می‌گردد؟

۱. فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا

۲. عَلَيَّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنَ مَعَ عَلِيٍّ

۳. عَلَيَّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ

۴. أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا

گزینه یک به نشانه، پاسخ درست انتخاب شده است. دقیقاً این نکته در قسمت «ثانیاً» پیام‌های حدیث در کتاب درسی آمده است ولی مفهوم گزینه چهار «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» نیز بیان‌کننده عصمت علمی علی(ع) است. در حقیقت گزینه یک شرح گزینه چهار است و چیزی غیر از آن را بیان نمی‌کند. فقط با آوردن این گونه سؤالات دانش‌آموزان تشویق به حفظ کردن می‌شوند و دغدغه‌های اصلی که در آموزش مد نظر است، فراموش می‌گردند.

در سؤال ۶۹ دین و زندگی رشته زبان:

اگر گفته شود: «اعتقاد پیروان ادیان الهی بر آن است که وجود خدا وابسته به چیزی نیست، بر فهم پیام کدام آیه تأکید شده است و چه مرتبه‌ای از توحید، ترسیم شده است؟»

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ

الْحَمِيدُ (الفاطر/۱۵) - ربوبیت

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ

الْحَمِيدُ (الفاطر/۱۵) - ذاتی

۳. إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ * وَ مَا ذَلِكَ

عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (الفاطر/۱۶-۱۷) - ربوبیت

۴. إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ * وَ مَا ذَلِكَ

عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (الفاطر/۱۶-۱۷) - ذاتی

هم سؤال و هم پاسخ درست است اما مفهوم و عبارت توحید ذاتی از کتاب برداشته شده است. شاید برخی دانش‌آموزان حتی عبارت توحید ذاتی به گوششان هم نخورده باشد و معلم نیز لزومی ندیده باشد که مطلبی را که حذف شده است توضیح دهد. در این صورت حق دانش‌آموز ضایع شده است.

مشروح در

[HTTP://ROSHDMAG.JR/WEBLOG/MAAREFESLAMI](http://roshdmag.jr/weblog/maarefeslami)

معاد جسمانی

طرفداران این دیدگاه، آدمی را موجودی جسمانی به شمار می آورند و به تجرد روح اعتقاد ندارند. اینان خود به چند گروه تقسیم می شوند: الف) گروه اول، انسان را مساوی با همان بدن مادی می دانند و معتقدند که انسان ها با مرگ نابود می شوند و خداوند آن ها را در سرای آخرت دوباره ایجاد می کند. یکی از مبانی این دیدگاه، «امکان اعاده معدوم» است؛ زیرا با نپذیرفتن این اصل، ایجاد دوباره انسان هایی که با مرگ معدوم شده اند، ممکن نخواهد بود و از آنجا که قدرت خداوند به امور ممتنع تعلق نمی پذیرد، اصل معاد و حیات اخروی انسان مخدوش خواهد شد. در نظر این گروه، معاد عبارت است از: «اعاده (بازگردان) انسان های معدوم به صحنه وجود، در آخرت». بسیار از متکلمان اشعری و معتزلی، که اعاده معدوم را ممکن می شمارند، به این دیدگاه پای بندند.

ب) گروه دوم (ظاهراً این گروه به دلیل اعتقاد به امتناع اعاده معدوم) اجزای بدن انسان با مرگ از یکدیگر جدا می گردد و اتصال و ارتباط میان آن ها گسسته می شود و با این گسستگی، حیات آدمی رخت برمی بندد. خداوند در روز رستاخیز، اجزای از هم گسسته را در کنار یکدیگر جمع می کند و بر اثر این اجتماع، انسان حیات دوباره ای می یابد. در این دیدگاه، معاد چیزی جز «بازگشت اجزای متفرق بدن به حالت اجتماع» نیست. به اعتقاد برخی از طرفداران این دیدگاه، اثبات معاد (به معنای مذکور) بر چهار مقدمه مبتنی است:

۱. بدن انسان از اجزای جوهری، که با مرگ از بین نمی رود، تشکیل شده است؛ بلکه صرفاً هیئت تألیفی آن ها از بین می رود و از هم جدا می شوند.
۲. خلأ در عالم هستی وجود دارد؛ زیرا با انتفای خلأ، حرکت اجزای متفرق به سوی یکدیگر، به منظور تألیف دوباره آن ها ممکن نخواهد بود.
۳. خداوند بر همه امور ممکن از جمله تألیف دوباره اجزای متفرق بدن قادر است.
۴. خداوند به همه امور کلی و جزئی علم دارد و از این رو، اجزای بدن هر انسانی را از اجزای بدن سایر انسان ها تشخیص می دهد.

با این مقدمات، روشن می شود که معاد، به معنای ترکیب مجدد اجزای متفرق بدن انسان از سوی خداوند، امری ممکن است. در نظر این گروه، معاد بر امکان اعاده معدوم استوار نیست، زیرا با مرگ اجزای اصلی بدن نابود نمی شوند تا نیازمند ایجاد دوباره باشند بلکه صرفاً از هم جدا می گردند.

با این حال، اگر حقیقت انسان را منحصر در بدن جسمانی او بدانیم، شکی نیست که از صرف تجمع اجزای مادی در کنار هم انسان پدید نمی آید بلکه این اجتماع باید به گونه ای باشد که اوصاف خاصی بر آن عارض گردد و بدیهی است که این اوصاف خاص، بر اثر مرگ، نابود می شود و احیای مجدد انسان منوط به اعاده اوصاف مذکور است. به عبارت دیگر، در این تصویر اجزای بدن معدوم نمی گردند، ولی اوصاف حاصل از ترکیب اجزا بر اثر جدایی آن ها، معدوم می شوند و احیای دوباره انسان در گرو ایجاد دوباره آن اوصاف خواهد بود. بنابراین، این دیدگاه نیز برخلاف پندار طرفداران آن بی نیاز از اثبات امکان اعاده معدوم نیست.

ج) گروه سوم از طرفداران معاد جسمانی کسانی اند که نفس آدمی را نوعی جسم لطیف و نورانی به شمار می آورند. از این دیدگاه، انسان با نفسی جسمانی در سرای اخروی حضور می یابد و در نتیجه لذت یا عذاب او نیز جسمانی است. معاد در نظر این گروه به معنای «بازگشت نفس به سوی خداوند» است.

معاد با کدامین جسم صورت می گیرد؟

سؤال دیگری که در زمینه معاد جسمانی مطرح می شود این است که اگر معاد با جسم صورت می گیرد، با کدام یک از بدن ها و اجسامی که انسان در طول عمر با آن زندگی کرده است انجام می شود؟

زیرا می دانیم انسان در طول عمر چندین بار جسم و بدن خود را عوض می کند و احتمالاً هر هفت سال تمام سلول های بدن وی عوض می شوند و سلول های نو جانشین آن ها می گردند.

بازگشت این همه انسان که در دوران عمر به زمین آمده اند جایی در روی کره زمین وجود نخواهد داشت؛ زیرا همین امروز وسعت کره زمین برای نسل موجود در پاره ای از نقاط کم است و برنامه مبارزه با افزایش جمعیت



در همه جا مطرح است. حالا فکر کنید اگر بخواهند همه انسان‌های گذشته و آینده در زمان واحد بازگرداند چه غوغایی برپا می‌شود؟ اما اگر معاد تنها جنبه روحانی داشته باشد مشکلی به وجود نخواهد آمد، چون در جهان ارواح مزاحمتی وجود ندارد.

پاسخ: کسی که این ایراد را می‌گیرد گویا از یک نکته غفلت کرده است و آن اینکه همان گونه که در قرآن نیز به صراحت آمده است، در پایان این جهان نظام کرات در عالم هستی به هم می‌ریزد؛ خورشید خاموش و ماه تاریک می‌گردد، کوه‌ها همانند ذرات غبار، پراکنده می‌گردند. سپس بر ویرانه این جهان کهنه، جهان نو و تازه بنیاد می‌گردد و زندگانی نوین انسان‌ها در جهانی نو صورت می‌گیرد و به این ترتیب مشکل کمی وسعت کره زمین اساساً مطرح نخواهد بود؛ زیرا در آن روز کره زمینی به این شکل نخواهیم داشت که از کمی وسعت آن نگران باشیم.

نتیجه‌گیری

دیدگاه مشهور حکیمان الهی همان است که آنان به معاد جسمانی مثالی اعتقاد دارند؛ اما پاره‌ای از عبارت‌های همین گروه از حکیمان به‌ویژه صدرالحکما (ملاصدرا) بیانگر اعتقادشان به معاد جسمانی عنصری است.

با نگاهی گذرا به آیات قرآن و روایات معصومان - علیه‌السلام - معاد جسمانی را عنصری می‌یابیم. از این رو، چون حکیمان الهی بر آن بوده‌اند تا دیدگاه خود را با گفتار پروردگار و اولیای الهی همخوان سازند، معتقد به معاد جسمانی عنصری شده‌اند؛ هرچند برخی مانند ابن سینا، در عین پذیرش، از اثبات عقلی آن اظهار ناتوانی کرده‌اند. با این حال، از گفتارهای صدرالمتألهین چنین برداشت می‌شود که این نوع از معاد جسمانی مشکل فلسفی نیز ندارد. البته یادآوری این نکته ضروری است که بدن انسان در آخرت با بدن دنیوی تفاوت‌هایی خواهد داشت، اما این تفاوت‌ها بدان معنا نیست که ما آن بدن را از نوع قالب مثالی بدانیم....

از مجموع آیاتی که بر جسمانی - روحانی بودن معاد دلالت دارند، برخی به گونه‌ای روشن از معاد جسمانی عنصری حکایت دارند؛ مانند آیاتی که از بازگرداندن حیات

به بدن‌های پوسیده و متلاشی سخن به میان آورده‌اند، هم‌چنین آیاتی که از نشر و خروج مردگان سخن گفته‌اند. کوتاه سخن اینکه تمامی آیاتی که شبهات منکران معاد را نقل و نقد می‌کنند، دلالت بر معاد جسمانی عنصری دارند؛ زیرا هرگز شبهه آن منکران ناظر به قالب مثال نبوده است و قرآن نیز هرگز در پاسخ‌گویی به آنان، قالب مثالی را مطرح ننموده است، بلکه با بیان مطالب گوناگونی بر عنصری بودن بدن در قیامت تأکید ورزیده است.

عده‌ای برای انکار معاد جسمانی شبهاتی را مطرح کرده‌اند که مبنای اکثر آن‌ها مقایسه آخرت با دنیاست. ظواهر آیات قرآن بیانگر معاد جسمانی (حشر روح همراه با بدن) است و این آیات قابل تأویل نیست، هرچند عده‌ای از روی چهل دست به تأویل آن‌ها زده‌اند.

آنچه از آیات قرآن در زمینه معاد جسمانی استفاده می‌شود، این است که آخرین بدن انسان که به خاک تبدیل می‌شود و در قبر قرار دارد، به فرمان خدا زنده و آماده حساب و جزا می‌شود.

باتوجه به کلمات متکلمان و فلاسفه، اعتقاد به جسمانی بودن معاد از ارکان دین است و منکر آن بنابر اجماع مسلمانان، کافر است.

پیشنهاده‌ها

۱. در خصوص معاد جسمانی صدرالمتألهین (ره) چه با آن موافق و چه مخالف باشند، تحقیقات زیادتری صورت گیرد.

۲. در کتب دین و زندگی دوره متوسطه، معاد جسمانی به صورت بیشتر بدانید، تحقیق کنید، فکر کنید، بحث کنید، مقایسه کنید و... آورده شود.

منابع

۱. فلسفی، محمدتقی. معاد از نظر روح و جسم. چاپ پنجم. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۴.
۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. معاد از دیدگاه امام خمینی، چاپ دوم. ۱۳۸۷.
۳. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، معاد و جهان پیش از مرگ، چاپ دوم، قم، انتشارات سرور، ۱۳۷۶.
۵. دستغیب، عبدالحسین، معاد، مشهد، مؤسسه انتشارات امامت، ۱۳۷۵.
۶. جوادی آملی، عبدالله، یاد معاد، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۸۲.

